به نام خدا

سوره مبارکه مطففین(قسمت اول)

پیاده نوار و تایپ: نفیسه مردانی

تعریف واژه های قرآن را می توان با توجه به خود قرآن بدست آورد:

* عمومی:آیاتی که حاوی اولئک،الذین،اسم اشاره وموصول هستند مثل: تعریف واژه مطففین.
* از ظاهر آیات ارتباط کلام بدست می آید بر اساس محتوای ظاهر آیات گزاره نویسی کرده و ویژگی های یک کلمه را بدست آورده که تبدیل به مولفه کرده و تعریف نهایی بدست می آید.مثال کلمه سجین

ویژگی سجین در سوره مبارکه مطففین:

1\_سجین مقابل علیین است

2\_کتاب سجین و علیین مرقوم و ثبت شده است

3\_شدت سختی سجین غیر قابل درک است

4\_سجین به فجار اختصاص یافته است

5\_سجین مابه ازای تکذیب روز قیامت است

6\_سجین محلی برای فرد معتد اثیم است

7\_معتد اثیم کسی است که حدود را نادیده میگیرد وآن را می شکند

8\_افراد در سجین از درک وفهم پروردگارشان در حجابند

9\_وضعیت فجار که در سجین هستندهر روز رو به بدتر شدن وپست تر شدن می رود.(از واژه کتاب که به سجین لینک شد)

چرا نگفته فجار در سجین است گفته کتاب فجار در سجین است؟

وقتی میگه کتاب فجار همه سیر زندگی ،ثبت وفرایند(حتی ممکن است مرده باشد)را منظور کرده

10\_جایگاه مطفف در سجین است زیرا تطفیف مصداقی از فجور است(مصداق مکذب مطفف است)

11\_سجین محلی برای استقرار است(قالب فعیل)

12\_سجین جایگاه فردی است که دارای قلب زنگارگرفته است که این زنگار به واسطه کسب خود فرد ایجاد شده است

13\_جحیم مرحله بعد از سجین است(سجین کشاننده به جحیم است)

14\_سجین محل کسانی است که کتاب خدا را افسانه می خوانند

برای تعریف یک کلمه ابتدا جنس (بروز، حالت ،مکان،علم،...)را مشخص کرده که می تواند همراه قید باشد یا بدون آن+که+عامل یا سبب +لوازم +در نتیجه عامل رخداد یا تبعات یا آثار.

سجین:{وضعیت و جایگاه ثبت شده ورو به پایین (محدودیت وتنگی)} که در اثر نادیده گرفتن دیگران و تعدی به حقوق آنها (خود جانبداری)به وجودآمده(که این عارضه در اثر تکذیب روز فیامت و فراموشی آخرت حادث می شود)و به حجاب از رب و اسما و فیوضات او کشیده می شود (سلب توفیق ،سلب رحمت،سلب رافت با دیگران)و محرومیت از کمالات بهره فرد خواهد بود.

بحث این سوره درخود رفتن وازخود بیرون آمدن است و در این تعریف سجن خود انسان است وقتی نگاه به خودش باشد وارد زندان شده و زمانی که افق نگاهش از خود خارج شود از زندان رهایی می یابد(عذاب از سنخ عمل است)

در این سوره سجن را از سنخ کتاب فرد قرارمیدهد و به این صورت است که فرد به سمت خود بینی می رود ودائما در حال بدتر شدن است.

نکته 1 :اگر وضعیت زندگیمان با دیگران به گونه ایست که با دیگران تعامل داشته و شرح صدر داشته و از گناهشان راحت تر می گذریم از سجین دورشده وبه علییون رسیده ایم.

نکته 2 :اگر کسی بتواند دیگران را نادیده نگیرد و خود جانبدار نباشد جلوی تمام گناهانش گرفته می شود

ارتباط آیه آخر سوره (هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ )با تعریف سجین:

1\_انسان برای ثواب کار می کند(پای نفع در میان است)

2\_انسان ها یا ابرارند که برای ثواب مسیردرستی انتخاب می کنند یا فجار(کفار)مسیر اشتباهی را اتخاذ میکنند

در این آیه بیان می کند کفار به خلاف چیزی که فکرو پندارمیکردند ثواب بردند آنها خواستار نفع بودند ولی نفعی نبردند

در کل سوره پای نفع در میان است یکی نفع را در خود می بیند و یکی در دیگران میبیند.

کفار حقیقت را می پوشانند در نتیجه مسیر را اشتباه رفته

 محدودیت وتنگی لحاظ شده درسجین به نسبت نفع وثواب است یعنی هرچه جلوتر میرود در نفع ودر ثواب محدودتر میشود.

خود جانبداری عامل هلاکت ومانع نفع رسانی شده ودر روایات آمده است2خصلت است که بالاتر از آن دیگرنیست ایمان ونفع

این سوره ،سوره ابرار وآدم هایی که خودشون نافع هستند،است.

غایت هر امکانی نفع است.

برای اینکه بتوانیم جز ابرار باشیم:

1\_نفع دیگران (پدر ومادر، همسر...)را نسبت به نفع خود مقدم بدانیم

2\_به بخشش های یک طرفه و بدون توقع عادت کنیم

3\_دنبال کسی باشیم که بتوانیم به آن نفع برسانیم

4\_مسابقه خدمت رسانی به دیگران

 نکته 3 : در مواجه با دیگران نفع آنها را در نظر بگیریم

نکته 4 :طبق این سوره اگر در سیستم زندگی به "بده بستان" (1به1،پس من چی ؟)عادت کنیم مرتب وضعیت خود را بدتر میکنیم

نکته 5 :برای ابرار بودن باید از جوانی شروع کرد.

نکته 6 : از ثبت کارهایی که برای دیگران انجام میدهیم خودداری کنیم.

نکته 7 :از انسان ها در ذهن سابقه ایجاد نکنیم وگرنه نمی توانیم انسان ها را دوست داشته باشیم .مبنا را بر گذشت نگذاریم چون یعنی در ذهن وجود دارد واز آن میگذریم و اصلا نباید در ذهن باشد.

 نکته 8 : آدم هایی سجین یک ظاهری دارند و یک باطن که این سوره بیان میکند گول ظاهرشون را نخورید.ودر باطن در ضیغ وتنگی است.

نکته 9 : برنامه ای برای خود داشته باشیم که از هرگونه رایحه و زمینه های کوچک تطفیف خود را دور کنیم.

ابرار بودن باعث احرار شدن می شود.

ابراردر درون خود محبت های خاصی ایجاد می شود(هم نسبت به دیگران و هم دیگران نسبت به آنها) که لذت این محبت را دراین دنیا حس میکنند که این جز مواهب ونسیم رحمت خدا در دنیاست .ابرار در همین دنیا رایحه ی بهشت را می چشند.